

زبان‌شناسی گویش‌های ایرانی

سال ۵، شماره ۲ (بایز و زمستان ۱۳۹۹) شماره صفحات: ۲۱۳ - ۲۳۹

بررسی کارکرد پسوندها در زبان ترکی آذری

ابراهیم رنجبر*

دانشیار زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه تبریز، آذربایجان شرقی، ایران

چکیده

زبان ترکی از زبان‌های پیوندی است و یکی از گویش‌های آن در حال حاضر در تبریز رایج است. موضوع این مقاله بررسی کارکرد پسوند در این گویش است و روش کار آن بر این اساس است که در توضیح کارکردهای صرفی و نحوی پسوندهای بسیط، استقلال و معنی‌دار بودن واژه‌ها را ملاک تعیین نوع واژه می‌داند. نتیجه این بررسی نشان می‌دهد که پسوند در این گویش کمک می‌کند تا فعل به کلمات غیرفعل تبدیل شود، کارکردهای آن گسترش پیدا کنند و کلمات غیرفعل مانند فعل صرف شوند. این امر موجب می‌شود که فعل‌ها و کلمات در حدی تنوع و تعدد یابند که بتوانند معانی و مفاهیم و امور و عواطف را با تفاوت‌های بسیار ظریف و جزئی بیان کنند. ۸۰ پسوند از ۱۹۶ پسوند رایج در این گویش بسیط هستند. یک کلمه می‌تواند تا هفت پسوند بپذیرد. تعدادی از پسوندها ماهیت ساختوازی کلمات و تعدادی دیگر کارکرد نحوی آن‌ها را تعیین می‌کنند. بلافاصله پس از ستاک، پسوندهای صرفی و در پایان پسوندهای نحوی قرار می‌گیرند. پسوندها طبق قوانین هماهنگی واکه‌ها، به چند صورت تلفظ می‌شوند.

تاریخچه مقاله:

دریافت: ۲۵ خردادماه ۹۹
پذیرش: ۱۶ دی ماه ۹۹

واژه‌های کلیدی:

پسوند
ترکی
آذری
هماهنگی
واکه‌ای

۱. مقدمه

زبان ترکی آذری به شاخه غربی گروه زبان‌های اوغوز^۱ یا گروه زبان‌های غربی جنوبی زبان‌های ترکی تبار تعلق دارد (منگس^۲، ۱۹۹۵: ۶۰؛ یوهانسون^۳، ۱۹۹۸: ۸۲). زبان‌های ترکی تبار شاخه غربی خانواده زبانی آلتایی^۴ را تشکیل می‌دهند (منگس، ۱۹۹۵: ۶۱). لذا زبان ترکی آذری از شاخه غربی گروه زبان‌های اوغوز از زبان‌های ترکی تبار ذیل شاخه غربی زبان‌های آلتایی است. زبان ترکی آذری در داخل و خارج از ایران رواج دارد. از میان مناطق جغرافیایی خارج از ایران که در آن‌ها به زبان ترکی آذری تکلم می‌شود، می‌توان به جمهوری آذربایجان، نواحی شرقی ترکیه، و جنوب گرجستان اشاره کرد^۵. در داخل ایران زبان مادری بومیان استان‌های آذربایجان‌های شرقی و غربی، اردبیل و زنجان، ترکی آذری است. این زبان در ایران دارای گویش‌های منطقه‌ای متعددی است اما پژوهش حاضر بر گویش منطقه‌ای تبریز (مرکز استان آذربایجان شرقی) متمرکز است. موضوع این مقاله بررسی تغییرات ساختوازی اشتقاقی^۶ کلمات این گویش از پیوند^۷ پسوندها^۸ به انواع دستوری واژه‌هاست.

هدف این نوشته دسته‌بندی پسوندهای اشتقاقی برای شناخت دقیق و طبقه‌بندی شده بخشی از «صرف»^۹ یا ساختار درونی واژه‌های این زبان است که «برخی از زبان‌شناسان آن را

^۱ oghuz/ oğuz؛ یوهانسون (۱۹۹۸: ۸۲) گروه زبان‌های اوغوز را به سه دسته تقسیم می‌کند: ۱. شاخه غربی شامل زبان‌های ترکی (Turkish)، گائوز (Gagauz) و ترکی آذری؛ ۲. شاخه شرقی شامل زبان‌های ترکمنی و ترکی خراسانی؛ ۳. شاخه جنوبی شامل زبان‌های قشقای، سنقری (Sonqori)، آینالو در ایران و افشاری در افغانستان.

^۲ K. H. Menges,

^۳ Johanson, L.

^۴ Altayic/Altaic از نظر منگس (۱۹۹۵: ۶۰) خانواده زبانی آلتایی از زبان‌های مانچو-تونقوز، ترکی تبار و مغولی تشکیل می‌شود. ایگاراشی (Igarashi, 2003) زبان کره‌ای را هم یک زبان آلتایی قلمداد می‌کند.

^۵ از آن‌جا که پژوهش حاضر بر زبان ترکی آذری در ایران متمرکز است، از ورود به جزئیات گویش‌های منطقه‌ای (regional dialects) خارج از ایران خودداری می‌شود.

^۶ derivational

۷ زبان‌های ترکی تبار همگی پیوندی (agglutinative) هستند.

^۸ suffixes

^۹ morphology

مرکز ثقل مطالعات زبان‌شناختی می‌دانند» (ملکی و همکاران، ۱۳۹۶: ۲۸۶). بدون شناخت پسوندها، شناخت این زبان نامقدور است زیرا بخش اعظم ماهیت ساختواژی دستوری و واژگانی^۱ این زبان وابسته به پسوند است حتی اگر برخی از واژه‌های آن بالقوه باشند (آرونوف^۲، ۱۹۹۴: ۱۰). در زبان ترکی آذری تکواژهای^۳ قاموسی از دو هجا تجاوز نمی‌کنند و گسترش این زبان توسط پسوند است. یکی از مسائل این بحث این است که پسوند به عنوان یک «تکواژ اشتقاقی» (رک. مشکوه‌الدینی، ۱۳۷۹: ۱۹۶) چه خصوصیتی دارد، کدام تغییرات ساختواژی و نحوی را سبب می‌شود و کارکرد آن چه تأثیری بر کثرت تعداد آن‌ها در این زبان دارد (زیرا اگر سازه‌ای کارکرد موثر نداشته باشد، تعداد آن در زبان محدود می‌شود). دیگر این که پسوندهای این زبان اغلب پایه^۴ را به کدام مقوله دستوری تبدیل می‌کنند.

۲. پیشینه پژوهش

پسوند تکواژی است که به آخر یک پایه واژگانی می‌پیوندد، تکواژ مشتق می‌سازد و ممکن است مقوله دستوری واژه را تغییر دهد (رک. مشکوه‌الدینی، ۱۳۷۹: ۱۹۶). وابستگی پسوند به پایه مورد اتفاق دستورنویسان و زبان‌شناسان زبان فارسی است اما در مورد بی‌معنی بودن آن، اتفاق نظر وجود ندارد. کشانی (۱۳۷۱) در بررسی پسوندهای زبان فارسی معنی‌سازی پسوندها را جدی گرفته است. برخی از دستورنویسان بی‌معنی بودن آن را تأیید نکرده‌اند (در این مورد رک. وفایی، ۱۳۹۱: ۱۲۳؛ ابوالقاسمی، ۱۳۹۲: ۲۸۶ و ۱۳۶۷: ۷۰-۹۰؛ احمدی و انوری، ۱۳۷۵: ج ۱، ص ۱۸۴-۱۹۱؛ ناتل‌خانلری، ۱۳۷۰: ۱۶۴؛ روایی، ۱۳۷۰: ۹۵؛ شریعت، ۱۳۷۰: ۴۲۲؛ سلطانی، ۱۳۶۸: ۲۰۴؛ همایونفرخ، بی‌تا. ص ۱۲۷؛ پنج استاد، ۱۳۸۰: ۲۵۲). سه دستورنویس، عنوان خاصی را به «وندها» اختصاص نداده‌اند (رک. خیام‌پور، ۱۳۹۷، فرشیدورد، ۱۳۹۳ و وحیدیان، ۱۳۸۶). معمولاً

^۱ lexical

^۲ M. Aronoff

^۳ morphemes

^۴ base

اگر اکثر پسوندها به تنهایی معنی دار نباشند، در بافت ساختوازی و نحوی سخن، معنی دار می شوند؛ یعنی معنی را از پایه کسب می کنند و آن را به واژه مشتق می دهند.

در زبان ترکی آذری با وجود تحقیقات ارزشمندی که تا به حال صورت گرفته اند، در مورد کارکرد پسوندها تحقیق کاملی صورت نگرفته است. احمدی (۱۳۸۳) کاری دقیق برای تطبیق دستور زبان ترکی آذری و فارسی انجام داده اما کارکرد دستوری اکثر پسوندها را بررسی نکرده است. فرزانه کلیاتی ارزشمند اما مختصر در مورد اشکال و توالی پسوندها نوشته است (۱۳۷۱: ۷۲-۷۸). رحمانی (۱۳۹۳) در کنار مباحث دستوری، به «قانون هماهنگی واکه‌ها» و «فرایند واجی» (ادغام و ابدال و افزایش و کاهش و قلب) اشاره کرده است. بیانی (۱۳۹۱) اشاره‌ای بسیار گذرا به پسوندها کرده و به برخی از کارکردهای تعدادی از آنها توجه نشان داده است. با همه این‌ها تحقیقی یافت نشد که تمام کارکردهای پسوندها را در بر داشته باشد.

۳. چارچوب نظری

زبان از نظر کارکرد اجتماعی عبارت است از «سیستم ارتباطات انسانی که نظام ساختارمند اصوات (یا نشانه‌های مکتوب آن‌ها) را در واحدهای بزرگ‌تر- اصطلاحات، کلمات، جملات یا گفتارها- در بر می گیرد» (ریچاردز^۱ و اسمیت^۲، ۲۰۰۲). در نگاه علمی «زبان‌شناسان عموماً زبان را به صورت مجموعه پیچیده‌ای از نظام‌های مجرد و ذهنی» (حق‌شناس، ۱۳۵۶: ۱۲) می دانند که به صورت «نظامی از قاعده‌ها» (مشکوه‌الدینی، ۱۳۸۵: ۲) صورت عینی می یابد؛ لذا شناخت طبیعی آن کار مشکلی نیست. این نظام ذهنی و نهاد اجتماعی در سازماندهی و انتقال پیام نقش اساسی دارد. از خصوصیات زبان حداقل سه مورد با این موضوع ارتباط دارند: یکی این که همگانی است؛ دوم این که همه زبان‌ها ویژگی‌های مشترک عمده‌ای با هم دارند و شناخت یکی می تواند به شناخت دیگری کمک کند؛ سوم این که حاکمیت قانون بر روابط دستگاه‌های درون زبان موجب توسعه کارکرد زبان می شود.

¹ J.C. Richards,

² R. Schmidt

تعداد تکواژهای قاموسی یک زبان هر قدر زیاد باشند بدون تکواژهای دستوری نمی‌توانند تمام نیازهای بشر را برطرف کنند، مثلاً اگر یک ستاک فعل با دوازده ضمیر متصل ماضی و مضارع صرف نشود، لازم است که دوازده فعل جدید ساخته شوند. اگر کارکردهای دیگر تکواژهای دستوری را با همین قیاس محاسبه کنیم، می‌توانیم حدس بزنیم که تکواژهای اشتقاقی و تصریفی چه مقدار از تعداد تکواژهای قاموسی می‌کاهند و به سهولت آموزش زبان کمک می‌کنند. کارکرد سازه‌های صرفی و نحوی زبان تابع قواعد ذهنی و عینی است. غرض از قواعد عینی قوانین حاکم بر اصول ساختارهای یک زبان مشخص است. در این جا قوانین حاکم بر پسوند در زبان ترکی آذری، در حد گنجایش این مقاله بررسی شده است.

در زبان ترکی آذری ستاک‌های^۱ فعل‌ها اگرچه صورت‌های تصریفی تمام صیغه‌ها را می‌پذیرند، تمام نیازهای ارتباطی گویندگان خود را برطرف نمی‌کنند؛ لذا اکثر مقوله‌های دستوری تحول اشتقاقی می‌پذیرند. این کارکرد حاصل پیوند پسوندها است. اکثر این وندها به شکل پسوند با پایه پیوند می‌یابند و در ساختار واژه افعال، اسامی و صفت‌ها تغییر ایجاد می‌کنند. به عبارت دیگر، تا ۷ پسوند به یک تکواژ می‌پیوندد تا آن تکواژ با پذیرش تحولات صرفی در معانی متفاوت به کار رود. برخی از پسوندها به تنهایی به تکواژ نمی‌پیوندند بلکه قبل از آن‌ها یک پسوند مناسب لازم است. از ۸۰ پسوند موجود در این زبان، ۶۳ پسوند ساختار واژه کلمات و ۱۷ پسوند کارکرد نحوی آن‌ها را تعیین می‌کنند (تکواژهایی که نقش نحوی کلمات را تعیین می‌کنند، استقلال نحوی ندارند بلکه به شکل پسوند به پایه افزوده می‌شوند). اکثر تکواژهای پسوند پذیر بدون تغییر پسوند می‌پذیرند. ترتیب پسوندها (اگر لازم باشد که کنار هم بیایند)، بدین صورت است که بلافاصله پس از پایه، پسوندهای اشتقاقی و به دنبال آن‌ها پسوندهای تصریفی و بعد از آن‌ها پسوندهای نحوی می‌آیند. به عنوان مثال، در واژه /yazəçəldan/، /yaz/ (بنویس، فعل امر)، /ə/ (پسوند اشتقاقی اسم‌ساز)، /çə/ (پسوند اشتقاقی صفت‌ساز)، /lar/ (به معنی «ها»، پسوند صرفی)، /dan/ (پس‌اضافه^۲ از^۳) است؛ بدین ترتیب در این زبان تعداد هجاهای کلمات افزایش می‌یابد.

^۱ stems

^۲ postposition

^۳ ablative

برای روشن تر شدن موضوع، یک نمونه از ساختواژه اسم را در این مثال می‌بینیم: /daʃ/ (سنگ)، /adaʃl/ (...سنگ‌باران کن)، /əddaʃla/ (...سنگ‌باران کرد)، /əddaʃlat/ (به کسی دستور داد و او...سنگ‌باران کرد)، /əddaʃlatdər/ (به کسی دستور داد و او به فرد ثالث دستور داد و فرد ثالث... سنگ‌باران کرد)، /daʃlandə/ (سنگ‌باران شد)، /daʃlatdərəjayimiʃ/ (قرار بود که او به کسی دستور دهد و آن کس...را سنگ‌باران کند). قابلیت پیوند پسوندهای متنوع به پایه، باعث شده است که در این زبان برخی از کلمات بسیار طویل باشند، مثلاً واژه /damlardakələrəməzdan/ (از اموال ما که در خانه‌ها هستند) از یک پایه آزاد و ۷ تکواژ وابسته^۱ تشکیل شده است: .dam/lar/da/kə/lar/ə/məz/dan

در زبان ترکی آذری ۹ واکه^۲ وجود دارند. این زبان در شش واکه با زبان فارسی مشترک است. برای سه واکه خاص این زبان، در خط رایج فارسی، نگاره‌ای وجود ندارد که محل اتفاق نظر تمام افراد اهل فن باشد. در این مقاله آن سه واکه با این نگاره‌ها نشان داده می‌شوند: ə, ü و ö. اولی به تلفظ A در کلمه انگلیسی Ago نزدیک و معادل تلفظ E در واژه فرانسوی Encre است؛ دومی به واکه U در واژه Cute انگلیسی نزدیک و معادل واکه U در واژه فرانسوی Unime و واکه ü در واژه استانبولی üç است؛ سومی به تلفظ I در کلمه انگلیسی Bird نزدیک و معادل تلفظ Oeu و Eo در واژه‌های فرانسوی Oeuf و Eoro و همچنین معادل واکه ö در واژه استانبولی ördek است. کمیت صوتی واکه‌های بلند این زبان تقریباً مساوی با کمیت صوتی واکه‌های کوتاه زبان فارسی است، مثلاً واژه /dam/ این زبان با واژه «دم» فارسی در کمیت‌های عروضی یکسان است.

۹ واکه و چند همخوان که با واج‌های شناخته‌شده زبان انگلیسی تفاوت دارند، در جدول

(۱) آمده‌اند.

جدول (۱)

تطبیق واکه‌ها و چند همخوان با واج‌های IPA

^۱ bound morpheme

^۲ vowel

IPA	فارسی	ترکی	English approximation	IPA	فارسی	ترکی	English approximation
a	ا	a	cut	ʃ	ش	Ş	Shoe
æ	اَ	ə	man	ɣ	غ	Ğ	Spanish amigo
e	اِ	e	get	ç	چ	Ç	Change
i	اِی	i	see	x	خ	X	Scottish lo <u>ch</u>
o	اُ	o	obeü	q	ق	q	Ago
ö		ö	bird	v	و	V	Vase
u	اُو	u	too	y	ی	Ü	Üet
ə		ı	ago	ʒ	ژ	J	Measure
ü		ü	cute				

در زبان ترکی آذری کلمات در انتخاب اصوات آزادی ندارند... [بلکه] نظم و انضباط آوایی به چشم می‌خورد... و هر تغییر و تبدیل صوتی از نظم [خاصی] پیروی می‌کند» (فرزانه، ۱۳۷۱: ۱ / ۲۱) لذا در این زبان، یک پسوند به لحاظ ویژگی آخرین واکه پایه، چند صورت آوایی دارد (البته گاهی واکه پایه بر اثر همنشینی با واکه پسوند، متحول می‌شود). علاوه بر واکه‌ها برخی از همخوان‌ها نیز برای هماهنگی با همخوان‌ها و واکه‌های همنشین خود، تغییر ساختی می‌یابند. در این جا تعدادی از قوانین لازم به تناسب موضوع این مقاله ارائه می‌شوند.

(۱) **اصل رفع التقای واکه‌ها:** «اگر واکه‌ای به عنوان پسوند به اسمی متصل شود که به واکه ختم می‌شود، التقای واکه‌ها پیش می‌آید. گویش‌های مختلف [یک] زبان به روش‌های مختلف این مشکل را حل می‌کنند» (تراسک^۲، ۲۰۱۵: ۵۹). یکی از این راهکارها غلت‌سازی^۴، یعنی تبدیل یک واکه به یک همخوان است (رک. تراسک، ۲۰۱۵؛ بدخشان و زمانی، ۱۳۹۳: ۹۹). «در تولید غلت‌ها... ناپیوستگی ناگهانی در سیگنال صوتی اتفاق نمی‌افتد» (صادقی، ۱۳۹۸: ۸۵) لذا تلفظ واژه دشوار نمی‌شود. پایه‌های بی‌پایانه زبان ترکی آذری فقط به واکه‌های «a»، «æ»، «u»،

^۱ Hiatus of Vowels

^۲ تراسک (۲۰۱۵: ۵۹) از گویش‌های زبان باسک مثال آورده است

^۳ Trask, R. L.

^۴ glide formation

«i»، «ü» و «ə» ختم می‌شوند و در پذیرش پسوند محدودیت دارند و از پسوندهای بی‌آغاز^۱ فقط «æ»، «ü»، «ə»، «u» و «i» را با قوانین خاصی می‌پذیرند. واکه پایانی پایه به «y» غلت‌سازی شده، سپس «æ» را می‌پذیرد:

پدر: /ata/	/atyæ/ = æ + /ata/ به پدر
مادر: æ/næn/	/nænyæ/ = æ + æ/næn/ به مادر
خدا: /tarə/	/taryæ/ = æ + /tarə/ به خدا
برّه: /quzu/	/quzyæ/ = æ + /quzu/ به برّه
هوو: /günü/	/günyæ/ = æ + /günü/ به هوو

همین پایه‌ها برای پیوند با پسوندهای «ü»، «ə»، «u»، «i» به غلت‌افزایی‌های «s» و «n»

نیاز دارند:

پدر: /ata/	پدرش: /atasə/ = ə + s + /ata/	پدر را!...: /atanə/ = ə + n + /ata/
------------	-------------------------------	-------------------------------------

جدول (۲)

اصل رفع التقای واکه‌ها

معنی نمونه	نمونه	واکه پسوند	غلط افزایی	واکه پایانی
پدرش	atasə (ata + s + ə)	ə	s	a
برّه‌اش	quzusu (quzu + s + u)	u	s	u
پوستش	i) s + darisi (dari +	i	s	i
پدرش	i) dædəsi (dædə + s +	i	s	æ
هوویش	ü) + s + (günü günüsü	ü	s	ü
دَرش	ə) + s + (qapə qapəsə	ə	s	ə
در ترکی کلمه به o, ö و e ختم نمی‌شود				
o/ e/ ö				

(۲) قانون همخوان‌های گروه q: واج‌های x, q, y, k, g را همخوان‌های گروه q نامیده‌ایم زیرا این همخوان‌ها به هم تبدیل می‌شوند بدون این که معنی واژه تغییر کند. مثلاً از /aq/ (سفید)

^۱ Onset

/aqardi/ (سفید شد) ساخته نمی‌شود بلکه /aɣardi/ در همین معنی ساخته می‌شود. این تحول ساختواجی متأثر از واژه همنشین است. در جدول (۳) تاثیر واژه‌های پسوندها در تحول همخوان‌های گروه q دیده می‌شود.

جدول (۳)

قواعد تبدیل همخوان‌های گروه q

معنی مثال	مثال	واج سازگار گروه q	واکه ماقبل همخوان گروه q
محل لیسیدن	yal+ax=yalax	x	a
پاره	jər +əx=jərəx	x	ə
پیچیده	bur+ux=burux	x	u
منجمد شو	don+ux+ donux	x	o
بمکیم	æm+æx=æmæx	x	æ
دانش	bil+ik= bilik	k	i
گردشده	büz+ük= büzüük	k	ü

نوع واژه باعث می‌شود که همخوان گروه q در یک پسوند در پنج ردیف اول /x/ ولی در دو ردیف آخر /k/ تلفظ شود.

جدول (۴)

قوانین هم‌نشینی واژه‌ها

واکه	همخوان	a	i	u	æ	e	O	ə	ö	ü
a	*	*						*		
i	*	*	*		*					
u	*	*		*						
æ	*		*		*					
e	*		*		*					
o	*	*		*						
ə	*	*						*		

ö	*	*	*
ü	*	*	*

برای روشن تر موضوع، ردیف اول به این صورت توضیح داده می‌شود: در واژه */ata/* (پدر) و */darə/* (ارزن) چون واکهٔ مقدم */a/* است، فقط واکه‌های */a/* و */ə/* توانسته‌اند بعد از آن بیایند. **۳) قانون تبدیل همخوان:** برای تغییر ساختواژه، همخوان پایانی پایه به واج دیگر متحول می‌شود: */sülæn/* (ولگردی کن)، */sülæk/* (ولگرد).

۴) قانون تحول /š/: «š» پسوند برای پذیرفتن واکه به «nj» تبدیل می‌شود: */gülüš/* (خنده)، */gülünjæ qalmax/* مسخره‌شدن.

۵) قانون واکه‌زدایی^۱: اگر پایه به واکه ختم، و پسوند با واکه آغاز شود، واکهٔ پایانی پایه حذف می‌شود: */saralt/ = /alt/ + /sarə/* (زردرنگ کن)، */duralt/ = /alt/ + /duru/* (زالال کن).

۶) قانون همگونی^۲: این قانون شامل چند قاعده است:

- **همگونی کامل:** برای این که تلفظ پایه آسان شود، همخوان اول پسوند با همخوان آخر پایه یکی می‌شود، مثلاً «l» به «n» و «r» تبدیل می‌شود: */činnæ/ = /čin+læ/* (بچین)؛ */dömmæz/ = /dön+mæz/* (برف ببار)؛ «m» به «n» تبدیل می‌شود: */yavajja/ = /yavaš+ja/* (یواشکی).

- **همگونی ناقص:** این قانون خود شامل موارد زیر است:

- آخرین همخوان پایه ثابت می‌ماند ولی اولین همخوان پسوند را به نزدیک‌ترین واج به لحاظ محل تولید خود تبدیل می‌کند: */atdan/*، */atlan/* (سوار اسب شو).

- آخرین همخوان پایه و نخستین همخوان پسوند، هر دو مبدل می‌شوند: */günj+lü/* = */gü3dü/* (زورمند).

^۱ vowel elision

^۲ assimilation

- نخستین همخوان پسوند ثابت می‌ماند ولی همخوان آخر پایه مبدل می‌شود:
/üç+li/ = /üšli/ (سه تایی).

- همگونی گرایبی «l» و «n» در پسوند و پایه: اگر آخرین همخوان پایه «l» و دومین واج پسوندی که با واکه آغاز می‌شود، «n» باشد، «l» پسوند به «n» بدل می‌شود: /sil/ پاک (کن) + /il/ = /silin/ (پاک کرده شو) به جای /silil/.

۴. تحلیل داده‌ها

پسوندهای این زبان از چند دیدگاه نیازمند بررسی هستند. در این مقاله برخی از دیدگاه‌ها آن گونه که در ادامه می‌آید، دسته‌بندی می‌شوند.

۴-۱. ساخت پسوندها

اکثر پسوندهای این زبان از نظر چند ساختی بودن قابل بررسی هستند. در جدول (۵) از نظر ساختواژه دسته‌بندی می‌شوند.

جدول (۵)

دسته‌بندی پسوندها / از نظر ساختواژه

تعداد پسوندها از نظر ساختواژه		تعداد پسوندها از نظر تعداد واج‌ها			
چندساختی	تک	دو واجی	دو واجی	یک	
(عامل اختلاف ساختواژه)	ساختی ^۱	همخوان+واکه	واکه+همخوان	واکه‌ای	واکه‌ای
همخوان	واکه	۱۶	۹	۲	واکه‌ای
اول	واکه	مثل sük	مثل ær / ar	مثل	مثل
اول و آخر	غیر اول	مثل ti / tü	مثل	مثل	مثل
آخر	اول				

^۱ پسوندهایی که فقط یک شکل دارند مانند sük و xər و همیشه به این شکل به کار می‌روند. در مقابل این‌ها، پسوندهایی هستند که به چند شکل به کار می‌روند مانند un که متناسب با واکه‌های پایه خود به شکل‌های ün /ən /in نیز نوشته می‌شود.

از ۸۰ پسوند زبان ترکی، ۴۲ پسوند فقط یک کارکرد، ۲۱ پسوند ۲ کارکرد، ۱۴ پسوند سه کارکرد، دو پسوند چهار کارکرد و یک پسوند پنج کارکرد دستوری دارد. اکثر پسوندها کارکرد ساختوازی و صرفی و تعدادی هم کارکرد نحوی دارند. ابتدا کارکرد ساختوازی و اشتقاقی و بعد از آن کارکرد نحوی آن‌ها بررسی می‌شوند.

۲-۴. بررسی پسوندها از نظر کارکرد اشتقاقی

پسوند در زبان ترکی مقوله‌واژه را تغییر می‌دهد تا زبان عناصر لازم را برای بیان مقاصد اهل زبان داشته باشد، مثلاً برخی از اسم‌ها را به فعل تبدیل می‌کند تا زبان قادر به ابلاغ پیام باشد.

۴-۲-۱. اشتقاق در مقوله اسم

برخی از پسوندها اسمی را به اسمی دیگر تبدیل می‌کنند با تغییر در معنی یا حتی بدون تغییر.

۴-۲-۱-۱. اشتقاق در پایه اسم بدون تغییر مقوله

پسوندهای (۱) تا (۶) اسم را به اسم دیگر تبدیل می‌کنند.

۱. æri: ایجاد تغییری ناچیز در مفهوم اسم: /iç/ درون، /içæri/ درون (۱).^۱

۲. xja: تبدیل اسم معنی به اسم آلت: /oyun/ بازی، /oyunjax/ بازیچه (شکل دیگر:

jaek) (۳).

۳. jəvaz: اسم را تصغیر می‌کند: /qəz/ دختر، /qəzjəvaz/ دختر کوچولو (۱).

۴. jəq: علاوه بر تصغیر اسم، مفهوم شباهت هم به آن می‌دهد: /qabar/ تاول،

/qabarjəq/ تاول‌مانند، حباب) (شکل‌های دیگر: jik / juq) (۲).

۵. gil: القای مفهوم جمع به اسم: /æligil/ علی و اطرافیان‌ش (۱).

^۱ عدد داخل پرانتز تعداد کارکرد پسوند را نشان می‌دهد، یعنی این پسوند در کل زبان فقط یک کارکرد دارد. ^۲ چون غالب پسوندهای زبان ترکی متناسب با قوانین همگونی واکه‌ها، شکل‌های متفاوت دارند، در داخل پرانتز شکل‌های متفاوت نوشته شده‌اند.

۶. ləq: ایجاد اسم آلت: /baʃ/ سر، /baʃləq/ چیزی که آن را به سر می‌بندند (شکل‌های

دیگر: /lik / lük / lux (۴).

۴-۲-۱-۲. تبدیل پایه اسم به صفت بیانی

پسوندهای (۷) تا (۱۵) اسم را به صفت بیانی تبدیل می‌کنند.

۷. /qan/ :əx خون، /qanəx/ :تشنه خون؛ شکل‌های دیگر: /ux / a / qæk / ik / ük (۳).

۸. /göz/ :æi چشم، /gözæl/ :زیبا (۲).

۹. /ölüm/ :jül مرگ، /ölümjül/ :در حال مرگ؛ شکل دیگر: /jəl (۲).

۱۰. /qol/ :qça ساعد و بازو، /qolçaq/ :محافظ ساعد؛ شکل دیگر: /çæk (۲).

۱۱. /çü/ :süt شیر، /sütçü/ :کسی که با شیر سروکار دارد؛ شکل‌های دیگر: /çü / çü / çü / çü / çü هم

می‌آید (۳).

۱۲. /yol/ :daş راه، /yoldaş/ :همراه (۱).

۱۳. /sük/ :sümük استخوان، /sümsük/ :حیوانی که دنبال استخوان می‌گردد، ولگرد. برای

پیوستن پسوند، لازم است که هجای آخر اسم حذف شود (۱).

۱۴. /qarə/ :üj انتها، /üjqarə/ :در حاشیه مانده، رک. /arə (۱).

۱۵. /læk/ :iş کار، /işlæk/ :پُرکار (۱).

۴-۲-۱-۳. تبدیل پایه اسم به مقوله صفت نسبی و لیاقت

پسوندهای (۱۶) تا (۲۰) اسم را به صفت نسبی و لیاقت تبدیل می‌کنند.

۱۶. /un/ :od آتش / /odun/ :منسوب به آتش، هیزم؛ شکل‌های دیگر: /ün / in (۵).

۱۷. /jəx/ :davar گوسفند، /davarjəx/ :منسوب به /davar/ کیسه‌ای که از چرم گوسفند

تهیه شود؛ شکل‌های دیگر: /juq / jik (۲).

۱۸. /qsa/ :baqər سینه، شکم، /baqərsaq/ :منسوب به /baqər/ احشای بطنی (۱).

۱۹. /ləq/ :yay تابستان، /yaylaq/ :منسوب به یای، محل سکونت تابستانی؛ شکل‌های دیگر:

/ləq / lük / lux / lik (۴).

۲۰. /duz/ :lu نمک، /duzlu/ نمکین؛ شکل دیگر: li (۱).

۴-۲-۱-۴. تبدیل پایه اسم به مقوله فعل

پسوندهای (۲۱) تا (۳۳) اسم را به فعل تبدیل می‌کنند.

۲۱. /yaš/ :a سین، /yaša/ زندگی کن (۲).

۲۲. /ot/ :ar علف، /otar/ بچران؛ شکل‌های دیگر: /æl/ al /ær (۲).

۲۳. /ala/ :yaxa یقه، /yaxala/ یقه را بگیر؛ شکل دیگر: /ælae/ (۳).

۲۴. /an/ :dad مزه، /dadan/ عادت کن به مزه چیزی؛ شکل دیگر: /æn/ (۲).

۲۵. /aš/ :yan کنار، /yanaš/ هم‌نشین باش (۲).

۲۶. /ərqa/ :yad بیگانه، /yadərqa/ تبحر در یک فن را از یاد ببر (۱).

۲۷. /dan/ :al نیرنگ، /aldan/ فریب بخور؛ «d» به «l» تبدیل می‌شود: /allan/ (۲).

۲۸. /sa/ :quraq خشکی، /quraqsa/ خشکیده شو؛ شکل‌های دیگر: /sü/ su (۱).

۲۹. /qala/ :čul چُل، /čulqala/ بیوشان (۱).

۳۰. /la/ :su آب، /sula/ آب پاش؛ شکل دیگر: /lae/ (۴).

۳۱. /lat/ :duman مه، /dumanlat/ مه‌آلود کن؛ شکل دیگر: /laet/ (۲).

۳۲. /laš/ :yol راه، /yollaš/ سازش کن؛ شکل دیگر: /lašš/ (۲).

۳۳. /lan/ :at اسب، /atlan/ سوار اسب شو؛ شکل دیگر: /laen/ (۲).

۴-۲-۱-۵. تبدیل پایه نام‌آوا^۱ به مقوله فعل امر

پسوندهای (۳۴) تا (۳۸) نام‌آوا را به فعل امر تبدیل می‌کنند.

۳۴. /uš/ :toqquš سر بر سر کسی بکوب تا صدای تُق شنیده شود؛ شکل دیگر: /əš/ (۲).

۳۵. /əlda/ :xər نام‌آوا، /xərəlda/ خِرِخِر کن؛ شکل دیگر: /ulda/ (۱).

۳۶. /xər/ :hay نام‌آوا، /hayxər/ بر سرش داد بکش (۱).

^۱ onomatopoeia

۳۷. /vay/ :sən نام آوا، /vaysən/ وای وای کن (۱).

۳۸. /güp/ :sæ نام آوا، /güpsæ/ چنان بزن که صدای güp شنیده شود (۲).

۴-۲-۱-۶. تبدیل پایه نام آوا به مقوله مصدر

پسوند (۳۹) نام آوا را به مصدر تبدیل می کند.

۳۹. /xər/ :əltə نام آوا، /xərəltə/ خرخر کردن؛ شکل دیگر: ultu (۱).

۴-۲-۱-۷. تغییر اشتقاقی در ضمیر بدون تغییر مقوله

تکواژ ضمیر را به واژه دیگر تبدیل می کند اما نوع دستوری آن را تغییر نمی دهد. پسوند (۴۰)

شان ضمیر را تغییر می دهد، یعنی از شأن او می کاهد و او را با تحقیر همراه می کند.

۴۰. /jəqaz/ :bu/ این کس، /bujəqaz/ این کس حقیر (۲).

۴-۲-۱-۸. تبدیل پایه مصدر به مقوله صفت

پسوندهای (۴۱) و (۴۲) مصدر را به صفت تبدیل می کنند.

۴۱. /jül/ :ölüm/ مردن، /ölümjül/ در حال مرگ؛ شکل های دیگر: jil / jəl (۲).

۴۲. /li/ :ič/ بنوش، /ičmæ/ نوشیدن، /ičmæli/ نوشیدنی (۳).

۴-۲-۱-۹. تبدیل پایه مصدر بدون تغییر مقوله

پسوند (۴۳) مصدر را به مصدر دیگر تبدیل می کند.

۴۳. /mæ :gülüş/ خندیدن، /gülüşmæ/ دسته جمعی خندیدن (۲).

۴-۲-۲. اشتقاق در مقوله صفت

تعدادی از پسوندها صفتی را به صفت دیگر تبدیل می کنند و معنای آن را تغییر می دهند. تغییر

در معنی گاهی لازم است و گاهی چندان لزومی ندارد.

۴-۲-۲-۱. تغییر اشتقاقی در پایه صفت بدون تغییر مقوله

پسوندهای زیر در معنی صفت تغییر جزئی ایجاد می‌کنند اما شماره ۴۷ جنس صفت را تغییر می‌دهد یعنی از غیر انسان صفت مربوط به انسان می‌سازد.

۴۴. /göy/ :ümtül/ آبی یا سبز، /göyümtül/ مایل به آبی یا سبز؛ شکل‌های دیگر: /əmtəl /imtül /umtul (۱).

۴۵. /ünjü :üç/ سه، /üçünju/ سوم؛ شکل‌های دیگر: /inji /unju /ənjə (۱).

۴۶. /jə :bala/ کوچک، /balaja/ تقریباً کوچک؛ شکل دیگر: /jæ (۳).

۴۷. /čü :odun/ منسوب به آتش، هیزم، /odunču/ هیزم‌شکن؛ شکل‌های دیگر: /čü /čə /či (۴).

۴۸. /ta :qačan/ گریزان، /qačanta/ همیشه گریزان؛ شکل دیگر: /tæ (۱).

۴۹. /šin :qæræ/ سیاه، /qæræšin/ مایل به سیاهی (۱).

۵۰. /lə :sarə/ زرد، /sarələ/ آمیخته با رنگ زرد؛ شکل‌های دیگر: /li /lu /lü (۲).

۵۱. /raq :uzaq/ دور، /uzaqraq/ دورتر (۲).

۵۲. /lux :yoxun/ نزدیک، /yoxunlux/ نزدیک‌تر؛ شکل‌های دیگر: /lik /ləq /lük (۳).

۴-۲-۲-۲. تبدیل پایه صفت به مقوله قید

پسوند (۵۳) صفت را به قید تبدیل می‌کند.

۵۳. /kan :baxar/ نگرنده، /baxarkan/ هنگام نگرستن؛ شکل دیگر: /kæn (۲).

۴-۲-۲-۳. تبدیل پایه صفت به مقوله مصدر

پسوند (۵۴) صفت را به مصدر تبدیل می‌کند.

۵۴. /ləq :hamar/ هموار، /hamarləq/ همواربودن؛ شکل‌های دیگر: /lik /lux (۴).

۴-۲-۲-۴. تبدیل پایه صفت به فعل امر

پسوندهای (۵۵) تا (۶۲) صفت را به فعل امر تبدیل می‌کنند.

۵۵. /dar/ :əx /darəx/ : احساس دلتنگی کن؛ شکل‌های دیگر: /a /ək /qak /ux/ /ük / ik/ (۴).

۵۶. /saɣ/ :al /saɣal/ : سالم شو؛ شکل دیگر: /æl (۲).

۵۷. /üst/ :ælə /üstələ/ : بالا، خودت را برتر نشان بده؛ شکل دیگر: /ala (۲).

۵۸. /sə /sərib/ : غریب، احساس غریب کن؛ شکل دیگر: /sa (۲).

۵۹. /lət /lərin/ : خنک، /lərinlət/ : خنک کن؛ شکل دیگر: /lat (۲).

۶۰. /sin /dik/ : بلند، /diksın/ : از ترس ناگهانی از جا بپر (۲).

۶۱. /lə /pis/ : بد، /pislə/ : بدنام کن؛ شکل دیگر: /la (۳).

۶۲. /ləš /bir/ : یک، /birləš/ : متحد شو؛ شکل دیگر: /laš (۲).

۳-۲-۴. اشتقاق در مقوله فعل

برخی از پسوندها مقوله فعل را به غیر فعل مثلاً به اسم، مصدر، صفت و قید تبدیل می‌کنند. اما برخی دیگر فعل را بدون تغییر مقوله به فعل دیگر بدل می‌کنند.

۴-۲-۳-۱. تبدیل پایه فعل امر به مقوله اسم

پسوندهای (۶۳) تا (۷۲) فعل امر را به اسم تبدیل می‌کنند.

۶۳. /ajax /dayan/ : تکیه کن، /dayanax/ : تکیه‌گاه؛ شکل دیگر: /æjæk (۳).

۶۴. /ü /ölç/ : اندازه بگیر، /ölçü/ : معیار؛ شکل‌های دیگر: /i / u / ə / در مورد تنوع تلفظ‌های

این پسوند رک. جدول‌های ۴ و ۵ (۳).

۶۵. /üm /döz/ : صبر کن، /dözüm/ : صبر؛ شکل‌های دیگر: /im / əm / um (۳).

۶۶. /in /æk/ : بکار، /ækin/ : کشت؛ شکل‌های دیگر: /ün / un / ən (۵).

۶۷. /tü /döyün/ : خودت را بزن، /döyüntü/ : اضطراب؛ شکل‌های دیگر: /ti / tu / tə (۱).

۶۸. /jæk /bürün/ : خودت را بپوشان، /bürünjæk/ : پوشاک؛ شکل دیگر: /jaq (۳).

۶۹. /gæmir/ : æčk / گوشت استخوان را با دندان بکن، /gæmirčæk/ : غضروف؛ شکل دیگر: čaq (۲).

۷۰. /oturaq/ : otu / بنشین، /oturaq/ : محل نشستن؛ این کلمه به صورت «اوتراق» وارد زبان فارسی شده است (۲)

۷۱. /çal/ : çə / بز، /çalçə/ : عمل یا ابزار نواختن؛ شکل‌های دیگر: qə / çu / qu / gü / kə / gi/ (۲).

۷۲. /gæ / dön / : dön / بیچ، /döngæ/ : محل پیچ خوردن (بعید نیست که «گ» با «گه» به معنی پسوند مکان در زبان فارسی از یک ریشه باشد) شکل دیگر: qa (۲).

۴-۲-۳-۲. تبدیل پایه فعل امر به مقوله مصدر

پسوندهای (۷۳) تا (۷۶) فعل امر را به مصدر تبدیل می‌کنند.

۷۳. /gül/ : üš / بخند، /gülüš/ : خندیدن؛ شکل‌های دیگر: /əš / üš / äš / متناسب با واج‌های هم‌نشین ممکن است «š» به «nj» مبدل شود، مثلاً /gülüš/ تبدیل شود به /gülünj/ (۲).

۷۴. /jæ / : æylæn / بنشین، /æylænjæ/ : نشستن، رک. جدول (۴)؛ شکل دیگر: ja (۳).

۷۵. /ma / : qonuš / مصاحبت کن، /qonušma/ : مصاحبت کردن؛ شکل دیگر: mə (۲).

۷۶. /maq / : aç / بازکن، /açmaq/ : بازکردن؛ شکل دیگر: mək (۱).

۴-۳-۳-۲. تبدیل پایه فعل امر به مقوله صفت

پسوندهای (۷۷) تا (۹۳) فعل امر را به صفت تبدیل می‌کنند.

۷۷. /ar / : ax / جاری شو، /axar/ : جاری؛ شکل‌های دیگر: /æl / al / ær / ul (۲).

۷۸. /arqə / : qal / بمان، /qalarqə/ : ماندگار؛ شکل دیگر: /ærgi / (۱).

۷۹. /yan / : çal / بز، بکوب، بنواز، نیش بز، /çalayan/ : نوازنده، نیش زننده؛ رک. قانون همخوان‌های گروه q؛ شکل دیگر: /æyæn / (۱).

۸۰. /qa / : qon / فرودآی، /qonaq/ : فرودآینده، مهمان، رک. جدول (۴)؛ شکل‌های دیگر: /ak / əx / ux / ük / ik / æk (۳).

۸۱. an : /qač/ بگریز، /qačan/ گریزان؛ شکل دیگر: æn (۲).
۸۲. æjæk : /gæl/ بیا، /gælæjæk/ آینده؛ شکل دیگر: ajax (۳).
۸۳. /sür/ :ürjü بران، /sürüjü/ راننده، کارکرد این پسوند با کارکرد /čü/، /čə/، /či/ یکسان است اما به سبب همگونی واجی، تفاوت ساختواجی می‌یابد؛ شکل‌های دیگر: /uji/ (۱) iji.
۸۴. /ülæn/ :üz بیئر، /üzülæn/ بریده‌شده؛ شکل‌های دیگر: /ulan/، /ilæn/ (۲).
۸۵. /qja/ :utan خجالت‌بکش، /utanjaq/ خجالتی؛ شکل دیگر: jæk (۳).
۸۶. /dülæn/ :čü گدایی‌کن، /dülænči/ گدا، رک جدول (۴)؛ شکل‌های دیگر: /ču/، /či/ (۳).
۸۷. /yæn/ :az/ گمراه‌شو، /az/yæn/ گمراه، رک. قانون همخوان‌های گروه q؛ شکل‌های دیگر: /gin/، /gün/، /nqu/، /qən/، /yün/ (۱).
۸۸. /qa/ :qovur برشته‌کن، /qovurqa/ برشته‌شده؛ شکل دیگر: qæ (۲).
۸۹. /qaj/ :utan خجالت‌بکش، /utanqaj/ خجول، سربه‌زیر؛ شکل دیگر: qæj (۱).
۹۰. /qan/ :čaləš تلاش‌کن، /čaləšqan/ تلاش‌گر، رک. قانون همخوان‌های گروه q؛ شکل‌های دیگر: /gæn/، /qun/ (۲).
۹۱. /maja/ :tap بیاب، /tapmaja/ یافتنی؛ شکل دیگر: mæjæ (۱).
۹۲. /maz/ :sol/ پژمرده شو، /solmaz/ پژمرده نشونده؛ شکل دیگر: mæz (۱).
۹۳. /müš/ :sön/ خاموش شو، /sönmüš/ خاموش‌شده؛ شکل‌های دیگر: /muš/، /məš/ (۱) miš.

۴-۳-۲-۴. تبدیل پایه فعل امر به قید زمان

پسوندهای (۹۴) تا (۹۸) فعل امر را به قید زمان تبدیل می‌کنند:

۹۴. /arkan/ :yat/ بخواب، /yatarkan/ هنگام خوابیدن؛ شکل دیگر: ærkæn (۱).
۹۵. /anda/ :al/ آل بگیر، /alanda/ هنگام گرفتن، هنگام خریدن؛ شکل دیگر: ændæ (۱).

۹۶. üm :/gör/ :بین، /görüm/ به اندازه یک بار دیدن؛ شکل‌های دیگر: /um/، /im/، /əm/ (۳).

۹۷. /jan/ :olun/ :باشید، /olunjan/ :تا زمانی که بودن شروع شود، رک. جدول (۵)؛ شکل دیگر: /jæn/ (۳).

۹۸. sa : دو کارکرد دارد: /qal/ :بمان، /qalsa/ :اگر بماند؛ شکل دیگر: /sæ/ (۳).

۴-۲-۳-۵. اشتقاق‌سازی در پایه فعل امر بدون تغییر مقوله

پسوندهای (۹۹) تا (۱۱۱) در مقوله فعل امر تغییر ساختواژی و معنایی ایجاد می‌کنند.

۹۹. ala : /qov/ :بران، دور کن، /qovala/ :دنبالش کن تا دور شود (شکل دیگر: /ælæ/ (۳).

۱۰۰. /ütlä/ :sürü/ ...روی زمین بکش، /sürütlä/ :...روی زمین بکش؛ صورت دیگری از ü است (۱).

۱۰۱. /ül/ :düz/ :منظم کن، /düzül/ :منظم کرده شو؛ شکل‌های دیگر: /ul/، /ül/، /il/ اگر آخرین همخوان پایه «l» و دومین واج پسوندی که با واکه آغاز می‌شود، «n» باشد، «l» پسوند به «n» بدل می‌شود: /sil/ (پاک کن) + /il/ = /silin/ (پاک کرده شو) به جای /silil/ رک. همگونی گرای «l» و «n» در پسوند و پایه (۱).

۱۰۲. /in/ :bil/ :بدان، /bilin/ :دانسته شو؛ شکل‌های دیگر: /ün/، /un/ (۵).

۱۰۳. /sün/ :göl/ :بخند، /gölümsün/ :تبسم کن؛ شکل‌های دیگر: /umsün/، /imsin/ (۱).

۱۰۴. /t/ :ayar/ :سفید شو /ayart/ :سفید کن (۱).

۱۰۵. /xa/ :čal/ :بزن، /čalxa/ یا /čalxala/ :به هم بزن؛ شکل‌های دیگر: /kala/ (۱).

۱۰۶. /sun/ :dolux/ :پر شو، /doluxsun/ :نسبتا پر شو (۱).

۱۰۷. /ša/ :qur/ :بساز، /qurša/ :برانگیز (۱).

۱۰۸. /qəs/: qan /: qəs/ گره کن و فشار بده، /qəsqan/: حسد بورز؛ شکل‌های دیگر: qun /: g æn / (۲).

۱۰۹. /la : /sal/: بیفکن، /salla/: آویزان کن، نیز رک. /xala / xa : شکل دیگر: /læ (۴).

۱۱۰. /lan : /at/: بینداز، /atlan/: پیر؛ شکل دیگر: /læn (۲).

۱۱۱. /na : /qəs/: گره کن و فشار بده، /qəsna/: در تنگنا قرار بده؛ شکل دیگر: /næ (۱).

۴-۲-۳-۶. اشتقاق‌سازی با تبدیل فعل امر به آینده

پسوند (۱۱۲) فعل امر را به فعل آینده تبدیل می‌کند.

۱۱۲. /ajax : /qal/: بمان /qalajax/: خواهد ماند؛ شکل دیگر: /æjæk (۳).

۴-۲-۳-۷. اشتقاق‌سازی با تبدیل فعل امر به فعل نهی

پسوند (۱۱۳) فعل امر را به فعل نهی تبدیل می‌کند.

۱۱۳. /ma : /qal/: بمان، /qalma/: نمان؛ شکل دیگر: /mæ (۲).

۴-۲-۳-۸. تبدیل فعل گذشته به قید

پسوندهای (۱۱۴) و (۱۱۵) فعل گذشته را به قید تبدیل می‌کنند.

۱۱۴. /jan : با افزودن مفهوم حرف «تا» فعل گذشته اول شخص جمع را به قید زمان تبدیل می‌کند: /durduq/: ایستادیم، /durduqjan/: تا زمانی که ایستادن ادامه دارد؛ شکل دیگر: /jæn (۳).

۱۱۵. /da : فعل ماضی اول شخص جمع را به قید تبدیل می‌کند: /durduq/: ایستادیم،

/durduqda/: موقع ایستادن، در مورد تفاوت تلفظ رک. جدول (۴)؛ شکل دیگر: /dæ (۳).

۴-۳. بررسی کارکردهای نحوی تکواژهای اشتقاقی یا پسوندها

در زبان ترکی وندها یا تکواژهایی که کارکرد نحوی کلمه را تعیین می‌کنند، تنها و مستقل به کار نمی‌روند بلکه همیشه به صورت پسوندها به همراه پایه به کار می‌روند و نقش نحوی پایه را تعیین می‌کنند.

۴-۴. افزونه‌های اسمی بیانگر نقش‌های نحوی

در زبان ترکی حرف نقش‌نما اعم از حرف اضافه یا حرف ربط وجود ندارد. وظیفه این گونه کلمات را پسوندها به عهده دارند و نقش کلمه را در جمله تعیین می‌کنند.

۱۱۶. /jæ /ja /æ /a: این دو گروه پسوند معادل حرف اضافه «به» در زبان فارسی هستند: /dam/ :خانه، /dama/ : به خانه؛ /mæn/ :من، /mænæ/ : به من؛ /æræb/ :عرب، /æræbjæ/ : به عربی؛ /yavaš/ : آرام، /yavašja/ : به آرامی. (گروه اول، ۲؛ گروه دوم، ۳ کارکرد).

۱۱۷. /ülæn و /ülæ: این دو گروه پسوند معادل حرف اضافه «با» در زبان فارسی هستند: /göz/ :چشم، /gözülæ/ و /gözülæn/ : با چشم. شکل‌های دیگر: /ilan /ulan /əlan و /ilæ /ula /əla ilan (گروه اول، ۱؛ گروه دوم، ۲ کارکرد).

۱۱۸. /kimi و /ajan: این دو گروه پسوند معادل حرف اضافه «تا» در زبان فارسی هستند و برای ایجاد معنی به پسوندی نیاز دارند که معنی حرف اضافه «به» در زبان فارسی داشته باشد: /tehran/ = /tehran/ + /a/ + /jan/ : تا به تهران؛ /tehrnakimi/ = /tehran/ + /a/ + /kimi/ : تا به تهران؛ شکل دیگر: /kimin و /æjæn (گروه اول، ۱؛ گروه دوم، ۳ کارکرد).

۱۱۹. /ü: این پسوند معادل نقش‌نمای اضافه و حرف «را» در زبان فارسی است: /mal/ : گاو، /süd/ : شیر، /mal südü/ : شیر گاو؛ /süd/ : شیر، /südü/ : شیر را؛ شکل‌های دیگر: /u / ə / i (۳).

۱۲۰. /ün: این پسوند معادل نقش‌نمای اضافه در زبان فارسی است: /bülbül/ : بلبل، /bülbülün/ : مال بلبل، (برای پیوستن به کلمه‌ای که به «u» ختم می‌شود، غلت‌افزایی «y» لازم است: /su/ : آب، /suyun/ = /su/ + /y/ + /un/ : مال آب؛ برای پیوستن به کلمه‌ای که به

«a, æ, u, ə و ı» ختم می‌شود، غلت‌افزایی «n» لازم است: /ata/ + /n/ + /ən/ = /atanən/ مال پدر؛ رک. جدول (۴) و (۵). این پسوند اگر با پسوند /ki/ /ku/ /kə/ /kü/ به کار رود، مالکیت را اختصاصی‌تر می‌کند: /ev/؛ خانه، /evin/؛ مال خانه، /evinki/؛ آن‌چه مختص خانه است. شکل‌های دیگر: in / un /ən (۵).

۱۲۱. da: این پسوند معادل حرف اضافه «در» در زبان فارسی است: /damda/؛ در خانه؛ شکل دیگر: dæ (۳).

۱۲۲. dan: این پسوند معادل حرف اضافه «از» در زبان فارسی است: /dam/؛ خانه، /damdan/؛ از خانه؛ شکل دیگر: dæn (۲).

۱۲۳. süz: این پسوند معادل پیشوندهای صفت‌ساز «بی» و «کم» در زبان فارسی است: /üz/؛ رو، /üzsüz/؛ کم‌رو؛ شکل‌های دیگر: siz /suz/ /səz (۱).

۱۲۴. kimin / kimi, tækin / tæki / tæk. sov و این سه پسوند معادل کلمه «مانند» و «وار» در زبان فارسی هستند: /at/؛ اسب، /attæk/، /attæki/، /attækin/؛ هر چهار به معنی مانند اسب است اما /sov/ فقط با دو صفت به کار می‌رود: /uzun/؛ دراز، /uzunsov/؛ درازوار؛ /dæli/؛ دیوانه، /dalisov/؛ دیوانه‌وار. (گروه اول، ۱؛ گروه دوم، ۳ کارکرد).

۱۲۵. jax و kimi: این دو پسوند معادل «به محض» در زبان فارسی هستند: /baxjax/ و /baxankimi/؛ به محض نگاه کردن؛ شکل‌های دیگر: jæk و kimin. (هر دو گروه ۳ کارکرد دارند).

۱۲۶. jan: معادل «به اندازه» در زبان فارسی است: /ketab/؛ کتاب، /ketabjan/؛ به اندازه کتاب؛ شکل دیگر: jæn (۳).

۵. نتیجه‌گیری

در زبان ترکی آذری ۸۰ پسوند ساده وجود دارند که مشخصات‌شان در ادامه ارائه می‌شود:

مشخصات ساختواژی: در زبان ترکی دو پسوند یک‌واجی، ۹ پسوند ۲ واجی (واکه+همخوان)، ۱۶ پسوند ۲ واجی (همخوان+واکه) وجود دارند. غیر از ۱۹ پسوند که تک‌ساختی هستند، اکثر پسوندهای این زبان چند شکل دارند. پسوندها برای پیوستن به پایه از قوانین معینی تبعیت می‌کنند و گاهی به میانجی نیاز دارند. اعضای همخوان گروه Q هنگام هم‌نشینی با واکه‌ها به همدیگر تبدیل می‌شوند. در مواردی لازم است که واکه پایانی پایه حذف شود تا پسوندی که با واکه آغاز می‌شود، به آن بپیوندد. گاهی برای سهولت تلفظ پایه، همخوان اول پسوند به همخوان آخر پایه تبدیل می‌شود. در مواردی آخرین همخوان پایه و نخستین همخوان پسوند، هر یک به واج قریب‌المخرج خود مبدل می‌شود. در تعدادی از پسوندها نخستین همخوان پسوند ثابت می‌ماند ولی آخرین همخوان پایه به واج قریب‌المخرج خود، مبدل می‌شود.

مشخصات اشتقاقی: ۶ پسوند اسم را به اسم، ۱۴ پسوند اسم را به صفت، ۱۲ پسوند اسم را به فعل، ۵ پسوند نام‌آوا را به فعل امر، یک پسوند نام‌آوا را به مصدر، ۲ پسوند مصدر را به صفت، یک پسوند مصدر را به مصدر دیگر، ۹ پسوند صفت را به صفت دیگر، یک پسوند صفت را به قید، یک پسوند صفت را به مصدر، ۸ پسوند صفت را به فعل امر، ۱۱ پسوند فعل امر را به اسم، ۴ پسوند فعل امر را به مصدر، ۱۷ پسوند فعل امر را به صفت، ۵ پسوند فعل امر را به قید زمان، ۱۳ پسوند فعل امر را به امر دیگر، یک پسوند فعل امر را به فعل آینده، یک پسوند فعل امر را به نهی، و ۲ پسوند فعل گذشته را به قید تبدیل می‌کنند.

مشخصات نحوی: ۲ پسوند معادل حرف اضافه «به»، ۲ پسوند معادل حرف اضافه «با»، ۲ پسوند معادل حرف اضافه «تا»، یک پسوند هم معادل نقش‌نمای اضافه، هم معادل حرف «را»، یک پسوند فقط معادل نقش‌نمای اضافه، یک پسوند معادل حرف اضافه «در»، یک پسوند معادل حرف اضافه «از»، یک پسوند معادل پیشوندهای صفت‌ساز «بی» و «کم»، یک پسوند معادل کلمه «مانند»، یک پسوند معادل پسوند «وار»، دو پسوند معادل «به محض»، یک پسوند معادل «به اندازه» در زبان فارسی وجود دارند.

از ۸۰ پسوند زبان ترکی، ۴۲ پسوند فقط یک کارکرد، ۲۱ پسوند ۲ کارکرد، ۱۴ پسوند ۳ کارکرد، ۲ پسوند ۴ کارکرد و یک پسوند ۵ کارکرد دستوری دارند.

مشخصات کارکرد پسوندها در حوزه معنایی: اکثر پسوندها توان واژه‌سازی زبان را افزایش می‌دهند. افزایش این توان به این صورت است: تبدیل مقوله‌ها و انواع دستوری واژه‌ها به همدیگر مثلاً اسم به فعل، ایجاد تغییرات ساختواژی در یک مقوله مثلاً تغییر زمان یا مفهوم فعل یا تبدیل فعل متعدی به لازم و برعکس یا تبدیل فعل امر به نهی، بخشیدن معنی جمع به اسم بدون استفاده از پسوندهای تصریفی، ایجاد تشبیه، تبدیل صفت بیانی به انواع دیگر صفت، ایجاد صفت تفضیلی، تغییر در مفهوم صفات دال بر رنگ برای بیان انواع رنگ‌ها، تبدیل اسم و صفت بیانی به صفت دال بر شغل، تصغیر صفت، تبدیل صفات شمارشی به همدیگر، بخشیدن مفهوم جمع به مصدر، تصغیر اسم و ضمیر. علاوه بر این‌ها پسوند /qun/ فقط با پایه /tut/ (بگیر) به کار می‌رود و با تغییردادن معنی پایه به رنگ دلالت می‌کند. برخی از پسوندها دایره معنایی پایه را محدود می‌کنند یا حتی مدلول آن را تغییر می‌دهند، مثلاً /at/ اسب (حیوانی با دایره معنایی نسبتاً وسیع)، /atçə/ انسانی که با اسب سروکار دارد (رک. پسوندهای شماره‌های (۸۰)، (۸۱)). برخی از پسوندها مختص پایه هستند و فقط یک کار انجام می‌دهند. برخی فقط با ۲ پایه به کار می‌روند و فقط یک معنی را القا می‌کنند. گروه پسوندی /ü/ /u/ /ə/ و /i/ قادر است نقش نحوی حرف «را» و واکنه نقش‌نمای زبان فارسی را به عهده بگیرد. گاهی ۲ پسوند کار یکسان انجام می‌دهند. پسوندهای /jan/ و /kimi/ با واسطه پسوند /a/ به پایه می‌پیوندند.

منابع

- ابوالقاسمی، محسن. (۱۳۶۷). پنج گفتار در دستور تاریخی زبان فارسی. بابل: کتابسرای بابل.
- ابوالقاسمی، محسن. (۱۳۹۲). دستور تاریخی زبان فارسی. تهران: سمت.
- احمدی، حسن. (۱۳۸۳). دستور تطبیقی زبان ترکی و فارسی. تهران: نشر قطره.
- احمدی، حسن و حسن انوری. (۱۳۷۵). دستور زبان فارسی. تهران: فاطمی.
- بدخشان، ابراهیم و محمد زمانی. (۱۳۹۳). غلت‌سازی در گویش کلهری. علم زبان. ۲(۲)، صص ۹۷-۱۱۵.
- بیانی، علی محمد. (۱۳۹۱). بئله /اوخو، بئله یاز. تبریز: اختر.
- پنج استاد. (۱۳۸۰). دستور زبان پنج استاد. زیر نظر سیروس شمیسا. تهران: فردوس.
- حق‌شناس، علی محمد. (۱۳۵۶). آواشناسی، تهران: آگاه.
- خیام‌پور، عبدالرسول (۱۳۹۷). دستور زبان فارسی. گزارش و ویرایش اسدالله واحد و محمدعلی موسی‌زاده. تبریز: آیدین.

- رحمانی، صمد. (۱۳۹۳). *دستور زبان آذربایجانی*. تبریز: اختر.
- روایی، محمد. (۱۳۷۰). *دستور زبان فارسی*. تهران: ناشر مولف.
- سلطانی، علی. (۱۳۶۸). *از کلمه تا کلام*. تهران: ناشر مولف.
- شریعت، محمدجواد. (۱۳۷۰). *دستور زبان فارسی*. تهران: اساطیر.
- صادقی، وحید. (۱۳۹۸). درج همخوان برای جلوگیری از التقای واکها در زبان فارسی، یک بررسی آوایی. *پژوهش‌های زبانی*. ۱۰(۱). صص. ۸۳-۱۰۴.
- فرزانه، محمدعلی. (۱۳۷۱). *مبانی دستور زبان آذربایجانی*. تهران: نشر فرهنگ.
- فرشیدورد، خسرو. (۱۳۸۲). *دستور مفصل امروز*. تهران: سخن.
- کشان، خسرو. (۱۳۷۱). *اشتقاق پسوندی در زبان فارسی امروز*. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- مشکوه‌الدینی، مهدی. (۱۳۷۹). *توصیف و آموزش زبان فارسی*. مشهد: انتشارات دانشگاه فردوسی مشهد.
- مشکوه‌الدینی، مهدی. (۱۳۸۵). *ساخت آوایی زبان*. مشهد: انتشارات دانشگاه فردوسی مشهد.
- ملکی، اردشیر، علی محمد حق‌شناس و حیات عامری. (۱۳۹۶). بررسی ساختار صرفی فعل فارسی در چاچوب نظریه کلمه و صیغگان. *دوفصلنامه جستارهای زبانی*، ۸ (۲)، پیاپی ۳۷، صص. ۲۷۷-۳۰۷.
- ناتل خانلری، پرویز. (۱۳۷۰). *دستور زبان فارسی*. تهران: توس.
- وحیدیان، تقی. (۱۳۸۶). *دستور زبان فارسی*. تهران: سمت.
- وفایی، عباسعلی. (۱۳۹۱). *دستور زبان فارسی*. تهران: سمت.
- همایونفرخ، عبدالرحیم. (بی‌تا). *دستور جامع زبان فارسی*. تهران: علمی.
- Aronoff, M. (1994). *Morphology by Itself: Stems and Inflectional Classes*. (Linguistic Inquiry Monographs 22). Cambridge: MIT Press.
- Igarashi, Y. (2003). Japanese as an Altaic Language: An Investigation of Japanese Genetic Affiliation through Biological Findings. *WPLC (working papers of the linguistics circle of the university of victoria)*, (17), pp. 35-47.
- Johanson, L. (1998). The History of Turkic. in *the Turkic Languages*. Edited by Larse Johanson & Éva Ágnes Csató. 1st ed. pp. 81-125. London and New York: Routledge.
- Menges, K. H. (1995). *The Turkic Languages and Peoples: An Introduction to Turkic Studies*. 2nd ed. Wiesbaden: Harrassowitz.
- Richards, J.C. & R. Schmidt, (2002). *Longman dictionary of language teaching and applied linguistics*. 3rd ed. London: Longman.
- Trask, R. L. (2015). *Historical Linguistics*. 3rd ed. Revised and Edited by Robert McColl Millar. London: Routledge Taylor & Francis group.

A Study of the Functions of Suffixes in Azeri Turkic

Ebrahim Ranjbar

Abstract

Azeri Turkic is an agglutinative language. One of its dialects is widely spoken in Tabriz. The goal of this paper is to study the functions of suffixes in the Tabriz dialect. In the present paper, the independence and meaningfulness of the forms are the criteria for determining the type of a form in the explanation of the morphological and syntactic functions of the simple suffixes. The result of the study shows that, in Azeri Turkic, a suffix helps a verb to change into a non-verb word and extends its function. Moreover, a suffix helps non-verb words conjugate like verbs. This helps verbs and other words to be so various and numerous that they can express meanings, concepts, and emotions with delicate and elaborate differences. 80 suffixes out of 196 suffixes found in Azeri Turkic are simple. A word can take up to 7 suffixes. Some of the suffixes determine the morphological nature of a word and some others determine its syntactic functions. Morphological suffixes immediately follow a stem while the syntactic suffixes occur in the final position. The suffixes have different phonetic realizations based on vowel harmony rules.

Keywords: Suffixes, Azeri, Turkic, Vowel, Harmony